فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هشتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۹۵-۷۵ Vol 3. No 28. 2019, p 75-95
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی وضعیت حقوقی قراردادها در حقوق انگلیس

بهزاد فرجام[1]. نازنین روحی[2]
۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. ایران*
۲. کارشناس حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان. ایران

چکیده
از جمله مباحث مهم حقوق قراردادها در هر نظام حقوقی، بررسی وضعیت عقودی است که در چهارچوب آن نظام‌ها مرسوم می‌باشد و شناخت ماهیت این عقود نیز از مسائلی است که قابلیت تأمل دارد. عقد به عنوان یک عمل حقوقی در تمامی نظام‌ها وضعیت‌های متفاوتی را به خود دیده که نظام حقوقی کامن‌لا و اختصاصاً حقوق انگلیس از این امر مستثنا نمی‌باشد، به گونه‌ای‌که قوانین موضوعه و حقوق عرفی این کشور در رابطه با عقود و ماهیت حقوقی آن‌ها، در مقایسه با دیگر نظام‌های حقوقی هم‌چون نظام حقوقی رومی‌ـژرمنی، رویکرد نسبتاً متفاوتی را اتخاذ نموده است. در این مجال برآنیم تا با بررسی حقوق قراردادها و قوانین و مقررات مربوط به آن در نظام حقوقی انگلیس، به شناخت وضعیت قراردادها در این کشور بپردازیم. ماحصل پژوهش حکایت از آن دارد که در این نظام حقوقی، صحیح، باطل، قابل ابطال و غیرقابل اجرا چهار وضعیتی هستند که قرارداد بر اساس شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر آن می‌تواند به خود ببیند.

واژه‌های کلیدی: صحیح، باطل، قابل ابطال، غیرقابل اجرا.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

مقدمه

نظام حقوقی انگلیس نسبت به برخی عقود وضعیت‌های خاصی را اتخاذ کرده است که در مقایسه با نظام‌های حقوقی دیگر قابل بررسی است؛ به گونه‌ای که عقودی همچون عقد غیرقابل استناد و عقد غیرنافذ و از این دست پذیرفته نشده است و در مقابل بر قراردادها چهار عنوان صحیح، باطل، قابل ابطال و غیرقابل اجرا نهاده شده است که از لحاظ ماهیت و آثار حقوقی با یکدیگر متفاوت می‌باشند. در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال هستیم که این عقود از لحاظ حقوقی چه وضعیتی دارند و حدود پذیرش آن‌ها در حقوق انگلیس به چه نحوی می‌باشد. بررسی تفاوت‌ها و تشابهات احکام این وضعیت‌ها موضوع دیگری است که بایستی مورد توجه قرار گیرد.

ابتدائاً باید گفت که عقد صحیح در حقوق این کشور در تقابل با عقد باطل است؛ به گونه‌ای که وجود برخی شروط لازم، صحت عقد را تأیید نموده و فقدان آن‌ها عقد را به وادی بطلان نزدیک می‌کند؛ به عنوان مثال، وجود قصد به عنوان شرط لاینفک هر قراردادی، صحت عقد را تضمین می‌کند و نبود آن عقد را به بطلان می‌کشاند.

از سوی دیگر، عقد قابل ابطال عقد صحیحی است که تا قبل از اعمال حق ابطال از سوی دارنده این حق، از لحاظ ماهیت و آثار حقوقی، به مثابه عقد صحیح می‌باشد، اما پس از ابطال ماهیت اولیه خود را از دست می‌دهد.

علاوه بر این، عقد غیرقابل اجرا از دیگر عقودی است که در حقوق انگلیس پذیرفته شده است. به طورکلی این نوع قرارداد زمانی مصداق پیدا می‌کند که مقرراتی که قوانین موضوعه این کشور از لحاظ شکلی و اثباتی مقرر کرده است، رعایت نشده باشد و حمایت از این قراردادها توسط محاکم به موجب عدم رعایت این شروط سلب می‌شود.

بنا به توضیحات فوق، مطالب خود را در چهار بخش به ترتیب عقد صحیح، عقد باطل، عقد قابل ابطال و عقد غیرقابل اجرا بیان می‌کنیم.

۱. عقد صحیح

در حقوق انگلیس عقد صحیح[1] به عقدی اطلاق می‌گردد که تمامی شرایط صحت یک قرارداد در آن رعایت شده و دارای آثار حقوقی باشد. البته منظور ما از عقد صحیح در این بخش، صحیح به معنای خاص کلمه بوده و آن عقدی است که قابلیت ابطال هم ندارد و فارغ از عناوین دیگر، دارای اعتبار حقوقی می‌باشد. لذا از بیان مطالب مربوط به عقد قابل ابطال[2] که در آن یکی از طرفین، حق ابطال و کنارگذاشتن

1- Valid Contract
2- Voidable Contract

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

آن را داشته و در عین حال تا زمان ابطال معتبر و دارای تمامی آثار حقوقی می‌باشد (۵، ۲۰۰۴: ص۱۲)، خودداری می‌شود و مطالب مربوط به آن در بخش بعدی مطرح خواهد شد.

در توضیح تعریفی که از عقد صحیح در فوق اشاره گردید، باید گفت در حقوق انگلیس صحت یا عدم صحت یک قرارداد بر اساس شرایط اساسی[۳] پذیرفته شده در حقوق این کشور مورد شناسایی قرار می‌گیرد؛ به عبارت بهتر، در صورت وجود شرایط اساسی مقرر، عقد مربوطه صحیح و معتبر بوده و در صورت عدم وجود هر یک از این شرایط، عقد مذکور بر حسب مورد، باطل[۴] قابل ابطال و یا غیرقابل‌اجرا[۵] می‌باشد.

در همین راستا، می‌توان به ایجاب و قبول[۶]، قصد ایجاد روابط قانونی[۷]، اهلیت[۸]طرفین، رضایت حقیقی [۹] طرفین، موجود بودن عوض[۱۰]، مشروعیت[۱۱]موضوع قرارداد و امکان اجرای[۱۲]موضوع قرارداد، به عنوان شرایط اساسی قرارداد اشاره کرد که فقدان هریک از آن‌ها، برحسب مورد می‌تواند ضمانت‌اجرای خاص خود را داشته باشد که موضوع مباحث بعدی خواهند بود.

به طور خلاصه اشاره می‌گردد که فقدان ایجاب و قبول، به عنوان ارکان اصلی قرارداد، موجب می‌گردد که عقد در عالم اعتبار ایجاد نگردد و واقعیت وجودی پیدا نکند؛ زیرا فقدان رکن، فقدان موضوع را به همراه خواهد داشت. علاوه بر این، در فرضی که قصد طرفین به موضوع قرارداد تعلق نگرفته باشد، قرارداد و به بیانی عقد مذکور از اساس باطل بوده و هیچ اثر حقوقی به دنبال نخواهد داشت (۴، ۱۹۹۷: ص۲۷۷). در آن‌جایی نیز که یکی از طرفین قرارداد یا هر دوی آن‌ها اهلیت لازم را برای انعقاد قرارداد نداشته باشند، عقد حاصله، بنا به مورد، باطل یا قابل ابطال خواهد بود که در مباحث بعدی به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

در موردی نیز که طرفین در انعقاد عقد رضایت حقیقی ندارند به عنوان مثال آن‌جایی که طرف مورد اکراه یا اعمال نفوذ ناروا واقع می‌شود و یا تحت تأثیر تدلیس حاضر به انعقاد عقد می‌گردد، عقدشان قابل ابطال دانسته شده است نه غیرنافذ؛ زیرا در حقوق انگلیس برخلاف حقوق ایران، عقدی به نام عقد غیرنافذ پذیرفته نشده است و فقدان رضایت هریک از طرفین عقد را قابل ابطال می‌نماید و به شخص ناراضی حق ابطال قرارداد را می‌دهد و نهادی تحت عنوان «عدم نفوذ» به رسمیت شناخته نشده است.

3- Essentials
4- Void
5- Uninforceable
6- Offer & Acceptance
7- Intention to Creat Legal Relations
8- Capacity
9- Genine Consent
10- Consideration
11- Legality
12- Possibility

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

در خصوص موجود بودن، مشروعیت و امکان اجرای موضوع قرارداد نیز باید گفت که فقدان هریک از این موارد بر حسب مورد ممکن است موجب بطلان قرارداد گردد؛ به این صورت که اگر موقع انعقاد قرارداد، طرفین بر چیزی که وجود خارجی ندارد توافق کنند، توافق آن‌ها بدون موضوع و خالی از اعتبار بوده و گویی که اصلاً توافقی حاصل نشده است. به علاوه این‌که موضوع قرارداد نباید از موضوعاتی باشد که مورد تأیید قانون واقع نشده است. توضیح آن‌که قانون‌گذار برخی توافقات را به دلیل نظم عمومی[۱۳] به رسمیت نشناخته است؛ به عنوان مثال، توافقات مربوط به کلاهبرداری[۱۴]، بخت‌آزمایی[۱۵]، قماربازی[۱۶]و. . . نامشروع دانسته شده است (۴، ۱۹۹۷: ص۳۲۵) و در این قبیل موارد گفته می‌شود که «دعوی مبتنی بر فساد قابل طرح نیست»[۱۷]. اگر انجام موضوع قرارداد در لحظه انعقاد آن غیرممکن باشد مثل فروش اتومبیلی که قبلاً تلف شده است و طرفین قرارداد با بی‌اطلاعی از این امر آن را موضوع قرارداد قرار می‌دهند، یا تعهد به انجام کاری که قانون آن را نامشروع دانسته است، توافق مربوط به آن نیز از اعتبار ساقط خواهد بود. بدیهی است که در تمامی این موارد، قرارداد باطل و خالی از آثار حقوقی خواهد بود گویی که در عالم اعتبار هیچ عقدی منعقد نشده است.

بنابراین می‌توان گفت که عقد صحیح عقدی است که واجد همه شرایط فوق باشد و حال آن‌که همان‌طوری که اشاره گردید عقد قابل ابطال نیز یک عقد صحیح می‌باشد، چه آن‌که تا قبل از اعمال حق ابطال از سوی دارنده حق صحیح بوده و تمامی آثار حقوقی بر آن بار می‌شود (۵، ۲۰۰۴: ص۱۲). ولی در بحث ما عقد قابل ابطال، عقد صحیح به معنایی که در تقابل با شرایط اساسی قرار دارد، دانسته نشده است و در مبحثی جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. عقد باطل

ابتدا مفهوم و ماهیت حقوقی عقد باطل و سپس عوامل بطلان یک قرارداد را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. مفهوم و ماهیت

عقد باطل عقدی است که فاقد اثر قانونی می‌باشد به گونه‌ای که فرض می‌شود قراردادی در عالم اعتبار محقق نشده است (۵، ۲۰۰۴: ص۱۲؛ ۳، ۲۰۱۱: ص۹۸). استفاده از اصطلاح «قرارداد باطل»[۱۸] مسامحه‌کارانه است، چراکه در این حالت اصلاً قراردادی صورت نگرفته است و اگر از اصطلاح «توافق باطل»[۱۹] استفاده شود بهتر است.

13- Public Discipline
14- Fraudulence
15- Lottery
16- Gambling
17- " Ex Turpi Causa Non Oritur Actio"
18- Void Contract
19- Void Agreement

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

نظریه پذیرفته‌شده در حقوق انگلیس آن است که چنین قراردادی به هیچ‌یک از طرفین آن حق قانونی اعطا نمی‌کند و آن‌ها نمی‌توانند با استناد به چنین قراردادی مطالبه خسارت کنند؛ زیرا این نوع قرارداد، هیچ‌گونه مالکیتی برای آن‌ها ایجاد نمی‌کند، اما در صورت رد و بدل شدن مالی از طرفین به دیگری، صاحب مال می‌تواند به موجب دعوی مسئولیت مدنی، استرداد کالاهای خود را بخواهد؛ به عنوان مثال، اگر شخص «الف» با «ب» توافق کند که با پرداخت ده پوند توسط «ب» به شخص «الف»، او وارد منزل «ج» شده و سرقت نماید، قرارداد مذکور به دلیل غیرقانونی بودن باطل است (۳، ۲۰۱۱: ۹۸).

۲-۲. عوامل بطلان

بطلان قرارداد ممکن است به دلایلی هم‌چون اشتباه[20] و عدم اهلیت طرفین باشد. در ذیل، به توضیح هریک از این موارد می‌پردازیم؛

۲-۲-۱. اشتباه

مطابق یک قاعده کلی در حقوق انگلیس، اصولاً اشتباه تأثیری در اعتبار قرارداد ندارد[21] که قاعده «اجازه دهید خریدار آگاه باشد»[22] از آن حمایت می‌کند. با این توضیح که فرض می‌شود خریدار از ابعاد مختلف قرارداد مطلع بوده و اشتباه او تأثیری در اعتبار عقد ندارد (۵، ۲۰۰۴: ص۱۲). با وجود این اصل کلی، اشتباه در مواردی اثرگذار بوده[23] و قرارداد را از اعتبار ساقط می‌کند. برای مشخص شدن موارد تأثیر اشتباه، در ذیل آن را از دو منظر مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ اشتباه به اعتبار طرفین قرارداد و اشتباه به اعتبار ارکان قرارداد.

۲-۲-۱-۱. اشتباه به اعتبار طرفین قرارداد

در قرارداد منعقدشده به وسیله طرفین، گاهی یکی از آن‌ها مرتکب اشتباه می‌شود و گاهی هردو آن‌ها. علاوه بر این، با فرض وجود اشتباه دوطرفه، طرفین ممکن است در نوع اشتباه خود مشترک باشند و یا این‌که هریک از آن‌ها دچار اشتباهی جدا گردند. با این توضیح، می‌توان اقسامی برای اشتباه به اعتبار طرفین قرارداد مقرر نمود که در ادامه بیش‌تر توضیح داده می‌شود.

20- Mistake
21- Inoperative Mistakes
22- Caveat Emptor
23- Operative Mistakes

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

۱-۱-۲-۲- ۱. اشتباه یکطرفه [۲۴]

این اشتباه زمانی رخ می‌دهد که تنها یک طرف قرارداد در مورد بخش اساسی قرارداد مرتکب اشتباه می‌شود و طرف دیگر با وجود اشتباه این شخص، از واقع مطلع است. چنین اشتباهی منجر به بطلان قرارداد منعقد شده می‌گردد؛ به عنوان مثال، در پرونده کاندی علیه لیندسی در سال ۱۸۷۸[۲۵] شخصی به نام بلنکرن[۲۶] که به تقلب شهرت داشت، از لیندسی مقداری دستمال کاغذی سفارش داد به گونه‌ای که خود را نماینده شرکت بلنک ایرون[۲۷] که یک شرکت معتبری بوده و در همان محل شعبه داشت، معرفی کرده و امضای شرکت را جعل کرده بود. در نتیجه این معامله کالاها به بلنکرن تحویل داده شد و او آن‌ها را به شخص ثالثی به نام کاندی[۲۸] فروخت. در این هنگام، لیندسی پس از اطلاع از اشتباه خود، درخواست اعاده کالاها را از مراجع قضایی خواستار شد. در این مجال، دادگاه با استناد به این‌که قرارداد اولیه (اصلی) به دلیل اشتباه یک‌طرفه باطل بوده، علی‌رغم این‌که کاندی آن‌ها را با حسن‌نیت خریداری کرده، حکم به استرداد کالاها داد (۵، ۲۰۰۴: ص۱۳؛ ۹، ۲۰۰۰: ص۲۹۱؛ ۶، ۲۰۱۲: ص۱۶).

۲-۱-۱-۲-۲. اشتباه دوطرفه[۲۹]

این اشتباه زمانی به وقوع می‌پیوندد که هر دو طرف دچار اشتباه شده‌اند. این اشتباه ممکن است ناظر به یک امر مشترک باشد و یا دو چیز متفاوت. در جایی که اشتباه از نوع مشترک است، هر دو طرف نسبت به جنبه اساسی قرارداد مرتکب اشتباه مشابه شده‌اند؛ به عنوان مثال، در پرونده کورتوریر علیه هاستی در سال ۱۸۹۵[۳۰] طرفین قرارداد با تصور فروش محموله ذرت بر روی کشتی اقدام به انعقاد معامله کردند، غافل از این‌که کاپیتان کشتی به علت در معرض فساد بودن کالا، اقدام به فروش آن کرده بود. به دنبال این امر، طرفین دعوای خود را به دادگاه بردند و دادگاه با این استدلال که در موعد انعقاد قرارداد، ذرت واقعاً وجود نداشته است، حکم به بطلان قرارداد آن‌ها کرد (۵، ۲۰۰۴: ص۱۲).

در مقابل ممکن است اشتباه طرفین مشترک نبوده و هریک از آن‌ها در ماهیتی مستقل گرفتار تصور غلط خود شوند؛ به عنوان مثال در دعوای رافائلز علیه ویچلهاس در سال ۱۸۶۴[۳۱] فروشنده در مورد فروش محصول کتان که به وسیله کشتی پیرلس[۳۲] در حال حمل بود، با خریدار به توافق رسید، حال آن‌که در حقیقت دو کشتی با همین عنوان در حال حمل چنین کالایی بودند، بدین شکل که یکی از آن‌ها در ماه اکتبر ارسال شده بود و خریدار آن را مدنظر داشته و دیگری در ماه دسامبر که فروشنده به آن نظر داشت.

24- Unilateral Mistake
25- Cundy v. Lindsay 1878
26- Blenkarn
27- Blenk Iron
28- Cundy
29- Mutual Mistake
30- Courturier v. Hastie 1895
31- Raffles v. Wichelhau 1864
32- Peerless

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

دادگاه به دنبال چنین اشتباهی اعلام کرد که قرارداد باطل است و هیچ توافقی به دلیل اشتباه متقابل آن‌ها صورت نگرفته است (۵، ۲۰۰۴: ص۱۳).

۲-۲-۲-۱. اشتباه به اعتبار ارکان قرارداد

در این فرض از اشتباه، طرفین قرارداد نسبت به مواردی که رکن قرارداد محسوب می‌شوند دچار اشتباه شده و به این سبب ممکن است قرارداد در برخی حالات وارد مرحله بطلان شود. در ذیل به اشکال مختلف اشتباه در قرارداد اشاره می‌شود تا مشخص گردد کدام یک از انواع این اشتباه موجب بطلان قرارداد می‌گردد (۳، ۲۰۱۱: ص۱۳۱)؛

۱-۲-۱-۲-۲. اشتباه در ماهیت مورد معامله

اشتباهی است که در آن یکی از طرفین یا هر دو آن‌ها در خصوص مورد معامله دچار اشتباه می‌شوند. بدیهی است که به موجب چنین اشتباهی، قرارداد از ابتدا باطل بوده و به عبارتی قراردادی در عالم اعتبار شکل نگرفته است (دعوی رافائلز علیه ویچلهاس ۱۸۶۴).

۲-۲-۲-۱-۲. اشتباه در خصوص وجود مورد معامله

این اشتباه در جایی مصداق پیدا می‌کند که طرفین در وجود یا عدم وجود کالایی که می‌خواهند بر آن قرارداد واقع کنند دچار اشتباه می‌شوند؛ به عنوان مثال، شخصی اتومبیل خود را با فرض وجود به دیگری می‌فروشد، غافل از این‌که اتومبیل به دلیل آتش‌سوزی یک روز قبل از قرارداد تلف شده است. این‌گونه اشتباه مانند مورد اول موجب بطلان قرارداد می‌گردد و هرگونه اثر حقوقی را از آن سلب می‌کند (دعوی کاچیر علیه هستای ۱۸۲۵؛ ۳، ۲۰۱۱: ص۱۳۲).

۲-۲-۲-۱-۳. اشتباه در خصوص کیفیت مورد معامله

در این نوع اشتباه، طرفین در خصوص کیفیت یا اوصاف مورد معامله دچار اشتباه می‌شوند؛ به عنوان مثال، شخصی تابلوی نقاشی معمولی را با فرض قدیمی بودن آن می‌خرد و بعد خلاف آن مشخص می‌گردد. در این مورد قاعده کلی این است که قرارداد معتبر بوده و چنین اشتباهی هیچ تأثیری در صحت قرارداد ندارد. در دعوی گریست علیه بایلی در سال ۱۹۶۶[32]، گریست خانه‌ای را با فرض این‌که در تصرف مستأجر قانونی است و نمی‌توان الزام به تخلیه وی را درخواست نمود، به قیمت ۸۵۰ پوند خرید، اما در واقع خانه در تصرف مستأجر قانونی نبوده و ارزش خانه بلاتصرف ۲۲۵۰ پوند بوده است. دادگاه حکم داد که طبق

32- Christ v. bayley 1966

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

حقوق انگلیس قرارداد باطل نیست، اما براساس قواعد انصاف دادگاه قرارداد را باطل اعلام نمود (۳، ۲۰۱۱: صص۱۳۲-۱۳۵).

٤-۲-۱-۲-۲. اشتباه در هویت طرف معامله

در خصوص اثر این نوع از اشتباه، باید به این مهم توجه کرد که آیا هویت طرف برای معامله، علت عمده محسوب می‌شود یا خیر. با وجود دو شرط علت عمده بودن هویت طرف معامله و همین‌طور اطلاع شخص مقابل از این‌که فرد موردنظر شخص اشتباه‌کننده نیست، شخصی که از هویت طرف تصور واهی داشته است، حق تقاضای اعلام بطلان قرارداد را خواهد داشت (۳، ۲۰۱۱: ص۱۳۳).

لازم به توضیح است که صرف‌نظر از موارد بالا، انصاف [۳۴]در برخی موارد اجازه اعلام بطلان قرارداد را به دادگاه داده است، اما باید گفت که این شیوه جبران خسارت، بسته به نظر دادگاه است و خواهان نمی‌تواند به عنوان یک حق [۳۵]آن را از دادگاه مطالبه نماید (۳، ۲۰۱۱: صص۱۳۴ و ۱۳۵).

۲-۲-۲. صغر طرف قرارداد

در حقوق انگلیس صغیر شخصی را گویند که به سن بلوغ نرسیده باشد. سن بلوغ نیز هیجده سالگی تعیین شده است و در واقع فرد از لحظه رسیدن به هیجده سالگی همه مسئولیت‌های یک فرد بالغ را متقبل می‌شود (قانون اصلاح حقوق خانواده مصوب ۱۹۶۹[۳۶]). طبق یک تقسیم‌بندی کلی، معاملات صغیر را به سه دسته معتبر الزام‌آور، باطل و قابل ابطال تقسیم می‌کنند که دو مورد اول، در این بخش توضیح داده می‌شود و مورد سوم، موضوع بخش سوم خواهد بود.

۱-۲-۲-۲. قراردادهای معتبر الزام‌آور

در ابتدا باید متذکر شد که در حقوق انگلیس تعهدات ناشی از معاملات صغیر دامن‌گیر خود وی بوده و به هیچ‌وجه تعهدی برای والدین یا سرپرست وی ایجاد نمی‌کند، مگر این‌که صغیر به نمایندگی از طرف آن‌ها عمل کرده باشد. به علاوه این‌که قرارداد صغیر نمی‌تواند با رضایت یا اجازه والدین یا سرپرست وی معتبر شود (۱۰، ۲۰۰۳: ص۵۴۰). در ذیل، به معاملات معتبر صغیر اشاره می‌گردد [۳۷]

34- Equity
35- Right
36- Family Law Reform Act, 1969

۳۷- لازم به توضیح است که چهار مورد از قراردادهای صغیر نیز صحیح بوده و چون صغیر حق ابطال آن‌ها را دارد، در بخش بعدی در قالب «عقد قابل ابطال» به آن‌ها اشاره خواهد شد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

۲-۲-۱-۲-۱. قرارداد برای تأمین مایحتاج ضروری

قراردادهایی هستند که برای تهیه کالاهای مناسب با شرایط زندگی صغیر و احتیاجات واقعی وی در زمان فروش و تسلیم صورت می‌گیرند (ماده سوم قانون بیع کالاها مصوب ۱۹۷۹[۳۸]). اگر ادعا شود که کودکی ملتزم به یک قرارداد تأمین مایحتاج ضروری است، اثبات دو امر لازم می‌باشد؛ اول این‌که کالاها (به عنوان یک امر حکمی)، مایحتاج ضروری محسوب می‌شود و دوم این‌که این کالاها (به عنوان یک امر موضوعی) برای صغیر واقعاً ضروری بوده‌اند (۹، ۲۰۰۰: ص ۱۸۰؛ ۷، ۲۰۱۱: ص ۴۷).

۲-۱-۲-۲-۲. قرارداد سودآور خدماتی[۳۹]

تشخیص این‌که چه چیزی «به نفع صغیر» است، بر عهده دادگاه می‌باشد که با توجه به اوضاع و احوال خاص هر پرونده در این خصوص تصمیم می‌گیرد. رویه قضایی نشان می‌دهد که قراردادهای کارآموزی؛[۴۰] آموزش و تعلیم و تربیت و. . . در این گروه قرار می‌گیرند. این قراردادها کاملاً صحیح بوده و هم‌چون قرارداد یک فرد بالغ[۴۱] لازم‌الاجرا بوده و تمامی آثار حقوقی یک قرارداد معتبر را دارا می‌باشد، در نتیجه هر دو طرف مکلف به اجرای کامل آن خواهند بود (۹، ۲۰۰۰: صص ۱۸۱).

۲-۲-۲-۲. قراردادهای باطل

ماده یک قانون جبران خسارت صغار مصوب ۱۸۷۴ تمامی قراردادهایی را که با صغار جهت استرداد پول قرضی یا کالاهای تهیه‌شده یا کالاهایی که می‌بایست تهیه گردد (به جز کالاهایی که برای حوائج ضروری است) منعقد می‌شود و نیز همه حساب‌هایی را که توسط صغار بیان گردیده، مطلقاً باطل[۴۲] اعلام می‌کرد. در سال ۱۹۸۷ در نتیجه پیشنهادات کمیسون قضایی، قانون قراردادهای صغار[۴۳] با هدف رفع ممنوعیت‌های خاص راجع به قابلیت اجرای قراردادهای منعقده صغار به تصویب رسید و قانون قبلی را در این زمینه نسخ نمود (۳، ۲۰۱۱: صص ۱۱۸ و ۱۱۹).

به نظر می‌رسد با توجه به تصویب این قانون، امروزه دیگر صحبت از بطلان مطلق قراردادهای صغیر چندان صحیح نباشد. قانون قبلی این قبیل قراردادهای صغیر (غیرصحیح و غیرقابل ابطال) را باطل مطلق اعلام کرده بود و حتی ضمانت از چنین قراردادهایی را نیز بی‌اثر دانسته و رجوع به ضامن را پس از ناامیدی از تعقیب صغیر غیرممکن می‌دانست (۹، ۱۹۹۷: ص۱۷۳)، اما مطابق ماده دو قانون قراردادهای صغار، هرگاه در خصوص تعهد یک طرف، ضمانتی داده شود و به دلیل این‌که او در زمان انعقاد عقد صغیر بوده است، تعهد

38- Sale of Goods Act 1979
39- Beneficial Contract of Service
40- Internships Contract
41- Adult
42- Absolutely Void
43- Minors' Contracts Act 1987

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

مذکور علیه وی غیرقابل اجرا باشد (یا قرارداد را فسخ کند)، ضمانت نباید صرفاً به آن دلیل علیه ضامن غیرقابل اجرا باشد.

به عنوان نتیجه می‌توان گفت که این دسته از معاملات صغیر فاقد آثار حقوقی نبوده و نتایجی را به دنبال دارد. مخصوصاً این‌که قانون مؤخر از اصطلاح «غیرقابل اجرا» استفاده کرده است و نه «بطلان». گفته شده است که این قبیل معاملات صغیر را متعهد نمی‌کند، اما دارای برخی آثار حقوقی به شرح ذیل می‌باشد (۱۰، ۲۰۰۳: ص۵۴۹).

الف: طرف مقابل از لحظه انعقاد عقد پای‌بند به تعهدات خود خواهد بود. با این حال، تا زمانی‌که صغیر بعد از بلوغ معامله را تأیید (تنفیذ) نکند، قرارداد علیه طرف مقابل نیز قابل اجرا نیست. به عبارت دیگر، طرق جبران خسارت صغیر در این فرض تا حدی محدود است، به این صورت که او حق درخواست اجرای خاص قرارداد را ندارد.

ب: صغیر بعد از رسیدن به سن بلوغ می‌تواند معامله را تأیید [۴۴]یا رد [۴۵]کند. در صورت تأیید، از این زمان به بعد متعهد خواهد بود. چنین وضعیتی اغلب قابل ابطال (منفی) تلقی شده است، از آن جهت که تا زمان تأیید اثری ندارد و از لحظه تأیید به بعد مؤثر خواهد بود (۴، ۱۹۹۷: ص۱۷۶).

با توجه به مطالبی که گفته شد، می‌توان گفت که در حقوق انگلیس معاملات صغیر اگر از نوع معتبر و یا قابل ابطال نباشد، تا حدودی به عقد غیرقابل اجرا نزدیک بوده و استفاده از واژه «بطلان»، در مورد آن‌ها دقیق نیست. در واقع مثل عقد غیرنافذ از نوع معامله فضولی در حقوق ایران است که در آن طرف اصیل پای‌بند به معامله است و تعهدات مالک منوط به تنفیذ یا رد معامله توسط اوست.

بد نیست اشاره کنیم که ماده سه قانون فوق، اموال تحصیل‌شده توسط صغیر را قابل استرداد اعلام کرده است. لذا اگر صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ معامله را رد کند، اموال یا کالاهای رد و بدل شده توسط طرفین یا بدل آن‌ها قابل استرداد خواهد بود (۳، ۲۰۱۱: ص۱۲۰).

۳. قرارداد قابل ابطال

در این بخش ابتدا مفهوم و ماهیت قرارداد قابل ابطال و سپس عوامل ایجاد حق ابطال و آثار این نوع عقد مطرح می‌گردد.

۳-۱. مفهوم و ماهیت

این قرارداد از شقوق مهم قرارداد در حقوق انگلستان محسوب و به قراردادی گفته می‌شود که صحیح بوده و در عین حال با درخواست یکی از طرفین قابل ابطال می‌باشد؛ به این صورت که قرارداد از لحظه انعقاد تا

44- Ratification
45- Rejection

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

زمان خاتمه‌دادن به آن توسط دارنده حق ابطال، دارای اثر بوده ولی قانون بنا به شرایطی به یکی از طرفین قرارداد حق ابطال آن را می‌دهد (۳، ۲۰۱۱: ص۱۳۱).

۲-۳. عوامل ایجاد حق ابطال

در همین زمینه در حقوق انگلیس چندین عامل موجب ایجاد حق ابطال برای یکی از طرفین و متعاقب آن قابلیت ابطال قرارداد می‌گردد که بیان آن‌ها ضروری می‌باشد.

۱-۲-۳. تدلیس[46]

اظهار نادرست و خلاف واقعی است که توسط یک طرف قرارداد، قبل یا همزمان با انعقاد قرارداد، صورت می‌گیرد تا از این طریق شخص مقابل مطابق با اظهار نادرست تدلیس‌کننده عمل کند و در پی آن شخص تدلیس‌کننده به هدف خود دست پیدا کند (۵، ۲۰۰۴: ص۱۲). تدلیس زمانی مؤثر خواهد بود که حاوی شرایط زیر باشد (۳، ۲۰۱۱: صص۱۳۱ و ۱۳۲)؛

الف: تدلیس باید ناظر به امر موضوعی[47]باشد نه حکمی [48]؛ یعنی باید نسبت به موضوع مورد معامله باشد، نه حقوق کلی؛ به عنوان مثال، جایی که یکی از طرفین با اظهاری نادرست خود را مدیر بانک معرفی کند یا این‌که بگوید این ساعت از طلای خالص است، در حالی‌که ساعت از جنس طلا نیست، تدلیس رخ داده است.

ب: تدلیس باید توسط یکی از طرفین قرارداد یا نماینده [49]آن‌ها صورت پذیرد.

ج: مدعی تدلیس (خواهان دعوی خسارت) بر اظهار خلاف واقع اتکا کرده و بر اساس آن عمل نموده باشد.

د: خواهان باید در نتیجه تدلیس، متحمل خساراتی شده باشد.

تدلیس ممکن است به چندین شکل صورت گیرد که در زیر به آن اشاره می‌گردد:

۱-۱-۲-۳. تدلیس متقلبانه[50]

عبارت است از اظهار بیاناتی که اظهارکننده عالم به عدم صحت آن‌ها می‌باشد. به موجب این تدلیس، برای شخص زیان‌دیده حق خاتمه دادن به قرارداد (ابطال قرارداد)، جبران خسارت به موجب دعوی مسئولیت مدنی و حق اقامه دعوی کیفری به موجب قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸[51]ایجاد می‌شود (۳، ۲۰۱۱: ص۱۵).

46- Misrepresentation
47- Subjective
48- Legal
49- Agency
50- Fraudulent Misrepresentation
51- Theft Act 1968

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

۲-۱-۲-۳. تدلیس مسامحه‌کارانه[۵۲]

اظهاری است از روی بی‌دقتی یا غفلت شخص در مورد یک واقعیت، با عدم وجود سوءنیت تدلیس‌کننده. به موجب این تدلیس، شخص تدلیس‌شونده می‌تواند به موجب بند یک ماده دو قانون تدلیس مصوب ۱۹۶۷[۵۳]جبران خسارت بخواهد. علاوه بر این، حق فسخ قرارداد مذکور را نیز دارد.

۳-۱-۲-۳. تدلیس غیرعمدی [۵۴]

در این نوع از تدلیس، شخص تدلیس‌کننده اعتقاد به صحت گفتار خود دارد، حال آن‌که این اظهارات، خلاف واقع می‌باشند. مطابق قانون تدلیس مصوب ۱۹۶۷، شخص تدلیس‌شونده می‌تواند ادعای خسارت کند و یا این‌که قرارداد را تنفیذ و یا ابطال کند (۳، ۲۰۱۱: ص ۱۴۰).

لازم به ذکر است که اعمال حق ابطال قرارداد و استناد به تدلیس، برخلاف موارد قبلی که در قالب طرح دعوا توسط تدلیس‌شونده مطرح می‌شد، می‌تواند در قالب دفاع مطرح گردد؛ به این صورت که شخص زیان‌دیده در مقابل ادعای فرد متقلب مبنی بر اجرای معامله، می‌تواند به تدلیس استناد کند (۱۰، ۲۰۰۳: ص ۳۷۳).

۲-۲-۳. اکراه [۵۵] و اعمال نفوذ ناروا [۵۶]

اکراه در کامن‌لا به معنای خشونت یا تهدید به آن علیه طرف مقابل و یا افرادی از خانواده اوست که طبق قواعد موجود در حقوق انگلیس، به شخص اکراه‌شونده حق ابطال قرارداد را می‌دهد (۵، ۲۰۰۴: ص۱۵).

اعمال نفوذ ناروا نیز به عنوان یک نظریه انصافی عبارت است از فشاری که توسط شخص صاحب نفوذ بر طرف قرارداد وارد می‌شود و موجب این می‌گردد که شخص از تصمیم مستقلی که در شرایط عادی می‌توانست بگیرد، محروم گردد؛ مانند رابطه پزشک و بیمار و همین‌طور رابطه وکیل و موکل. در این‌گونه روابط فرض بر این است که قرارداد در نتیجه نفوذ پزشک و یا وکیل منعقد شده است و لذا قابل ابطال از سوی شخص متضرر است، مگر این‌که شخص ذی‌نفوذ ثابت کند که از موقعیت خود سوءاستفاده نکرده است (۹، ۲۰۰۰: ص۳۱۵).

در تفاوت بین اکراه و اعمال نفوذ ناروا می‌توان گفت که اکراه همراه با اعمال خشونت یا تهدید به آن است، ولی در اعمال نفوذ ناروا عنصر خشونت وجود ندارد. دیگر آن‌که اعمال نفوذ ناروا یک نظریه انصافی است، اما نظریه اکراه مبتنی بر قواعد کامن‌لا است (۶، ۲۰۱۲: صص ۳۹۰ و ۳۹۱).

52- Negligent Misrepresentation
53- Misrepresentation Act 1967
54- Innocent Misrepresentation
55- Duress
56- Undue Influence

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

۳-۲-۳. عدم افشای اطلاعات در قراردادهای با حداکثر حسن‌نیت [۵۷]

در قراردادهایی که نیازمند افشای اطلاعات مهم از سوی یکی از طرفین یا هردوی آن‌ها در مورد موضوع قرارداد می‌باشد، خودداری از افشای این اطلاعات، صرف‌نظر از درخواست یا عدم درخواست شخص نیازمند اطلاعات، موجب در معرض ابطال قرار گرفتن قرارداد از سوی شخص متضرر می‌گردد (۳، ۲۰۱۱: ص۱۴۲).

از نمونه قراردادهایی که در آن افشای اطلاعات از سوی یکی از طرفین لازم است، می‌توان به قراردادهای بیمه، آگهی‌های عرضه سهام شرکت [۵۸]،قراردادهای بیع زمین، ضمانت‌نامه‌ها و شرکت‌نامه‌ها اشاره کرد.

٤-۲-۳. عدم اهلیت صغیر در برخی معاملات

همان‌طور که در بخش نخست پژوهش اشاره گردید، برخی از قراردادهای صغیر قابل ابطال دانسته شده است؛ به این صورت که قرارداد هر دو طرف را به اجرای تعهدات خود پای‌بند می‌کند، اما صغیر حق دارد قبل از زمان بلوغ یا در مدت زمان اندکی پس از بلوغ، قرارداد را ابطال کند (۱۰، ۲۰۰۳: ص۵۴۵؛ ۹، ۲۰۰۰: ص۳۱۵). در ذیل به چندی از این قراردادها اشاره می‌کنیم.

۱-٤-۲-۳. قراردادهای مربوط به ملک

این گروه قراردادهایی را شامل می‌شود که غالباً ماهیت مستمر داشته [۵۹]و به موجب آن منفعت مالی پایداری [۶۰]برای صغیر به دست می‌آید؛ به عنوان مثال، آن‌جایی که صغیر به عنوان مستأجر قرارداد اجاره منعقد می‌کند، موظف به اجرای تعهدات خود هم‌چون پرداخت مبلغ اجاره‌بها است و این تعهد تا زمانی‌که صغیر معامله را ابطال کند، باقی است (۱۰، ۲۰۰۳: صص۵۴۵ و ۵۴۶).

۲-٤-۲-۳. قراردادهای پذیره‌نویسی [۶۱](خرید سهام شرکت)

صغیری که تعهد خرید سهام یک شرکت را می‌کند یا سهام آن شرکت را از سهامداری که تمامی مبلغ آن را پرداخت نکرده است می‌خرد، موظف به پرداخت مبلغ آن می‌باشد. اگر او معامله را رد (ابطال) کند، از مسئولیت رهایی پیدا می‌کند و می‌تواند اسم خود را از دفتر ثبت شرکت خارج کند. در این مورد اگر صغیر سهام را از سهامدار قبلی خریداری کند و معامله را رد نکند، شرکت اصولاً نمی‌تواند این معامله را رد کرده و سهامدار قبلی را تعقیب کند، اما اگر شرکت در حال ورشکستگی و تصفیه باشد و صاحب سهام صغیر باشد، مدیر تصفیه می‌تواند حق صغیر را اعمال کرده و سهامدار پیشین را مسئول قرار دهد (۱۰، ۲۰۰۳: صص۵۴۵ و ۵۴۶).

57- Uberrima Fidei
58- Company Prospectuses
59- Contract of a Continuing
60- Property of a Permanent Kind
61- Contracts Subscribing

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

۳-٤-۲-۳. قراردادهای مشارکت مدنی [۶۲]

صغیر می‌تواند به عنوان یک شریک قرارداد شرکت ببندد. وی در طول دوران صغر نمی‌تواند توسط شرکا برای بدهی‌های آن شرکت مورد تعقیب قرار گیرد. اما اگر پس از بلوغ شراکت را خاتمه ندهد (رد نکند)، مسئول خواهد بود و تا زمانی‌که به تعهدات خود عمل نکرده است، سهمی از سود یا دارایی شرکت نخواهد داشت (۱۰، ۲۰۰۳: ص۵۴۵).

٤-٤-۲-۳. قراردادهای مهریه [۶۳]

این‌گونه قراردادها نیز مثل موارد قبلی صغیر را متعهد می‌کند، مگر این‌که در دوران صغر یا پس از رسیدن به سن بلوغ آن را رد کند.

۵-۲-۳. نقض قرارداد [٦٤]

در حقوق انگلیس علی‌رغم وجود حق ابطال به وسیله یکی از طرفین که به موجب تدلیس، اکراه، اعمال نفوذ ناروا و. . . وجود دارد، نوع دیگری از حق ابطال نیز به دلیل عدم اجرای تعهدات قراردادی به وسیله هر یک از طرفین ایجاد می‌شود (۴، ۱۹۹۷: ص۶۴۶). این نوع حق ابطال ممکن است به شکل صریح [۶۵]یا ضمنی[۶۶]باشد. ابطال ضمنی به این صورت است که اجرای قرارداد به مدت طولانی به تأخیر افتد یا از سوی طرفین اجرا نشود و یا در جایی که قرارداد جدیدی جایگزین[۶۷]قرارداد سابقی می‌شود که با توافق طرفین ابطال شده است (۴، ۱۹۹۷: ص۶۴۷).

این حق ابطال به طرف زیان‌دیده داده می‌شود تا خود را از تعهدات قراردادی [۶۸]به دلیل اجرای ناقص [۶۹]یا عدم اجرای طرف مقابل رها سازد. دارنده چنین حقی می‌تواند به قرارداد خاتمه دهد و یا آن را تأیید کند و اجرای بقیه قرارداد را بخواهد، البته باید قصد خود را در این خصوص اعلام کند. در صورت خاتمه دادن به قرارداد، باید کل قرارداد را ابطال کند، نه بخشی از آن را؛ لذا اگر بعد از نقض طرف قرارداد، دارنده حق ابطال اجرای قرارداد را بخواهد، دیگر امکان حق ابطال قرارداد برای او وجود نخواهد داشت (۱، ۲۰۰۷: ص۸).

به علاوه بعد از ابطال قرارداد، دارنده حق ابطال از تعهدات قراردادی خود رها می‌شود، اما این مانع از تعهدات وی تا زمان اعمال حق ابطال نمی‌شود و وی مکلف به اجرای تعهدات خود است. از سوی دیگر،

62- Civil Partnership
63- Marriage Settlements
64- Breach of Contract
65- Explicit
66- Implied
67- Substituted Contract
68- Contractual Obligations
69- Part Performance

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

اگر دارنده حق ابطال هیچ‌یک از دو اقدام تأیید یا ابطال قرارداد را انجام ندهد، قرارداد بین طرفین لازم‌الاجرا است و هر دو طرف مکلف به اجرای آن هستند (۴، ۱۹۹۷: ص۶۴۷).

این حق ابطال به موجب نقض قرارداد در سه مورد ایجاد می‌شود:

الف: در فرض رد؛[۷۰] یعنی زمانی که یکی از طرفین قرارداد صریحاً یا ضمناً اجرای قرارداد را رد می‌کند.

ب: در صورت عدم امکان اجرای قرارداد؛[۷۱] در جایی که یکی از طرفین با اعمال خود اجرای تعهداتش را غیرممکن می‌کند.

ج: ناتوانی اساسی از اجرای قرارداد؛[۷۲] البته اجرای ناقص قرارداد باید به درجه‌ای از جدیت و اهمیت رسیده باشد تا طرف مقابل حق ابطال داشته باشد. قصور از اجرای تعهد زمانی است که طرف مقابل را از هدف انعقاد قرارداد محروم می‌کند یا زمانی که مربوط به ریشه و بنیان قرارداد است. برای نقض قراردادهای کم‌اهمیت‌تر ممکن است دعوای جبران خسارت طرح شود، نه ابطال قرارداد.

به همین منظور در حقوق انگلیس، شروط به دو قسم شروط اصلی [۷۳] و شروط فرعی [۷۴] تقسیم می‌شود. نقض گروه نخست از این شروط، ایجاد حق ابطال و جبران خسارت می‌کند، حال آن‌که نقض شروط فرعی، تنها ایجاد حق جبران خسارت می‌کند (۴، ۱۹۹۷: ص۶۴۶).

در تفاوت بین ابطال قرارداد به موجب نقض آن و ابطال قرارداد به موجب تدلیس، باید گفت که ابطال به دلیل تدلیس با این ادعا همراه است که ایجاد قرارداد معیوب بوده است و اگر این دعوا به نتیجه برسد، قرارداد را از ابتدا بی‌اثر خواهد کرد، گویی که قراردادی منعقد نشده است. اما در ابطال قرارداد به موجب نقض، این ادعا وجود دارد که اجرای قرارداد معیوب بوده است و این عیب به حدی نیست که قرارداد را کلاً نامعتبر کند. علاوه بر این، طرفی که قرارداد را به علت نقض طرف مقابل ابطال می‌کند، می‌تواند ادعای جبران خسارت نقض قرارداد را بخواهد. در مقابل، در ابطال به موجب تدلیس، ادعای خسارت به علت نقض قرارداد ظاهراً متصور نیست (۱۰، ۲۰۰۳: ص۳۷۰).

۳-۳. آثار ابطال

قرارداد قابل ابطال تا لحظه ابطال آن توسط دارنده حق ابطال صحیح بوده و طرفین مکلف به انجام تمامی تعهدات ناشی از آن هستند. طرفین قرارداد ملزم به اجرای تعهدات خود هستند و دارنده حق ابطال به بهانه قابلیت ابطال قرارداد، نمی‌تواند از انجام وظایف خود در خصوص قرارداد شانه خالی کند.

70- Repudiation
71- Impossibility
72- Substantial Failure to Perform
73- Condition
74- Warranty

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

ابطال این قرارداد در حقوق انگلیس اثر قهقرایی دارد به طوری که طرفین پس از ابطال قرارداد، تا حد امکان، به وضعیت نخست خود بازگردانده می‌شوند. لذا پول یا اموال انتقال یافته به موجب قرارداد فوق یا بدل آن‌ها باید بازگردانده شوند.

ابطال قرارداد قابل ابطال ممکن است از طریق اقامه دعوا و به دنبال آن اعلام دادگاه صورت گیرد یا آن‌که دارنده حق ابطال به طرف مقابل اعمال حق ابطال خود را اطلاع دهد. در فرض دوم، اگرچه در ابتدا مراجعه به دادگاه لازم نیست، اما برای اجرای آثار این ابطال ممکن است مراجعه به دادگاه ضروری باشد؛ مانند آن‌جا که شخص مقابل باید مورد معامله را بازگرداند، ولی از انجام این کار خودداری می‌کند. همچنین زمانی‌که معامله تشریفاتی [۷۵]است مانند قرارداد اجاره یا فروش سهام که در آن ابطال قرارداد و اعاده موضوع آن باید با دستور قضایی [۷۶]صورت گیرد (۱۰، ۲۰۰۳: ص۳۷۲).

در تفاوت عقد قابل ابطال و قرارداد باطل می‌توان گفت که در قرارداد باطل اگر خریدار مبیع را به دیگری انتقال دهد، نه تنها هیچ مالکیتی برای خریدار قرارداد باطل ایجاد نمی‌شود، بلکه خریدار ثالث نیز که در نهایت حسن‌نیت[۷۷]عمل کرده است، حقی به دست نمی‌آورد و مالکیت فروشنده اصلی باقی است. اما در قرارداد قابل ابطال، اگر خریدار قبل از اعلام بطلان قرارداد (در صورتی که قرارداد از جانب وی قابل ابطال باشد)، مبیع را به ثالث انتقال دهد، ثالث مالک شناخته خواهد شد، مشروط بر این‌که با حسن‌نیت عمل کرده باشد و از قابل ابطال بودن قرارداد آگاهی نداشته باشد (۸، ۱۹۶۳: ص۱۸۰؛ ۱۰، ۲۰۰۳: ص۳۷۱).

٤-۳. موانع اعمال حق ابطال

در برخی موارد دارنده حق ابطال قرارداد حق خویش را از دست داده و نمی‌تواند قرارداد را ابطال نماید؛ مانند آن‌جایی‌که طرفین قرارداد نتوانند به موقعیت ابتدایی‌شان بازگردند یا این‌که طرف زیان‌دیده به هر نحوی قرارداد را تأیید کند. همین‌طور اگر اشخاص ثالث به موجب قرارداد حقوقی را به دست آورده باشند، بر اساس قواعد حقوقی انگلیس دارنده حق ابطال نمی‌تواند قرارداد را باطل کند. از جهت دیگر، اگر دارنده در اقامه دعوی ابطال تأخیر طولانی به عمل آورد، این تأخیر به طور ضمنی دلالت بر تأیید قرارداد [۷۸] و عدم ابطال آن می‌کند (۳، ۲۰۱۱: ص۱۴۱).

٤. عقد غیرقابل اجرا

غیرقابل اجرا بودن قرارداد وضعیت دیگری است که عقد بر اساس شرایطی ممکن است دچار آن گردد. ابتدا مفهوم و ماهیت آن و سپس عوامل آم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

75- Ceremonial
76- Court Order
77- Good Faith
78- Confirmation of Contract

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

۱-٤. مفهوم و ماهیت

قراردادی است که به معنای اخص خود باطل و قابل ابطال نبوده و با این دو قرارداد تفاوت ماهیتی دارد و بیش‌تر به واسطه فقدان مدرک قرارداد یا شکل مقرر قانونی غیر قابل اجرا می‌باشد. [۷۹]به عبارت دیگر، عقدی صحیح و دارای تمامی آثار حقوقی می‌باشد، منتها چون قرارداد در چهارچوب شکلی مقرر شده به وسیله قانون ایجاد نشده است، در صورت عدم اجرای داوطلبانه قرارداد توسط طرفین آن، نمی‌توان الزام به اجرای آن را از دادگاه درخواست نمود (۴، ۱۹۹۷: ص۴۷۵). البته لازم به ذکر است که غیرقانونی بودن قرارداد نیز غالباً ذیل عقود غیر قابل اجرا بررسی می‌گردد که در ادامه به آن هم خواهیم پرداخت.

۲-٤. فقدان الزامات شکلی مقرر در قوانین

در قانون برای انعقاد برخی از عقود شرایطی مقرر گردیده است که عدم رعایت آن‌ها ضمانت اجرای عدم حمایت قانونی و قضایی از آن‌ها را به همراه دارد. در ذیل به چندی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۲-٤. رسمی بودن قرارداد[۸۰]

در حقوق انگلیس در خصوص تعدادی از عقود و قراردادها، به دلیل اهمیت موضوع آن‌ها و همین‌طور اختلافات احتمالی ناشی از روابط طرفین، قوانین موضوعه این کشور رسمی بودن یعنی ثبت آن‌ها به وسیله مأمورین رسمی را شرط اعتبار قانونی و قضایی آن می‌داند و در صورت عدم رعایت این شرط، همان‌طور که گفته شد مراجع قانونی و قضایی از آن‌ها حمایت نمی‌کنند. از جمله این قراردادها می‌توان به قرارداد متضمن تعهد به هبه [۸۱]اجاره ملک برای مدت بیش از سه سال (قانون حقوق اموال مصوب ۱۹۲۵[۸۲])، انتقال کشتی‌های بریتانیایی یا سهام موجود در آن‌ها و انتقال حق مالکیت زمین (قانون حقوق اموال مصوب ۱۹۲۵) اشاره کرد.

۲-۲-٤. کتبی بودن قرارداد [۸۳]

در بعضی قراردادها شرط کتبی بودن قرارداد لازم دانسته شده است. قرارداد بیمه دریایی[۸۴](قانون تمبر مصوب ۱۸۹۱[۸۵])؛ اسناد تجاری یعنی برات، چک و سفته (قانون بروات مصوب ۱۸۸۲[۸۶])، قرارداد اجاره به

۷۹- قابل ذکر است که قرارداد غیر قابل اجرا، به معنای عام خود، شامل قرارداد باطل و قابل ابطال نیز می‌گردد، چه آن‌که این دو قرارداد، یکی از ابتدا و دیگری پس از اعمال حق ابطال، غیر قابل اجرا می‌باشند.

80- The Contract Should be Official
81- Promise of Gifts
82- Law of Property Act 1925
83- The Contract Should be in Writing
84- Marine Insurance Cntract
85- Stamp Act 1891
86- Bill of Exchange Act 1882

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

شرط تملیک (قانون اجاره به شرط تملیک مصوب ۱۹۶۴[87])، انتقال حق تألیف (قانون حق تألیف، طراحی و اختراعات ثبت شده مصوب ۱۹۸۸[88])، اساسنامه شرکت‌ها و انتقال سهام شرکت ثبت شده (قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۵[89]) از جمله این موارد می‌باشد.

۳-۲-٤. مستند بودن قرارداد به سند کتبی

مستند بودن قراردادها به سند کتبی در حقوق انگلیس فلسفه‌ای دارد که بیش‌تر به دلیل حمایت اسنادی و قراردادی از آن است که لزوم مستند بودن آن‌ها به سند کتبی را توجیه می‌کند. ضمانت‌نامه‌ها، بیع یا سایر انتقالات ملک با استثنائات محدود مانند مزایده‌های عمومی (ماده دو قانون حقوق اموال مصوب ۱۹۸۹) و قراردادهای استخدام (قانون حمایت از استخدام اصلاحی ۱۹۸۲[90]) را می‌توان از این قبیل قراردادها دانست که قبل از این‌که بتوانند از طریق جریانات دادگاهی اجرا شوند، نیاز به دلیل کتبی مبنی بر وجودشان دارند (۷، ۲۰۱۱: ص۵۳).

۳-٤. غیرقانونی بودن قرارداد

در حقوق انگلیس، قانون‌گذار در موارد خاصی، قرارداد را به دلیل مخالفت با قانون، غیرقابل اجرا دانسته است. در این نظام حقوقی، یک قرارداد زمانی نامشروع است که ناقض قانون موضوعه یا کامن‌لا باشد و اصلی که توسط محاکم در این زمینه اعمال می‌گردد، آن است که دعوای مبتنی بر قرارداد نامشروع قابلیت طرح ندارد (۴، ۱۹۹۷: صص۲۷۷ و ۲۸۸).

در حقوق انگلیس برخی از قراردادها به موجب قوانین موضوعه این کشور نامشروع تلقی می‌شوند و برخی دیگر به موجب قواعد حقوق عرفی (کامن‌لا). از جمله قراردادهای گروه نخست می‌توان به قرارداد قماربازی و شرط‌بندی اشاره کرد که به موجب قانون قماربازی مصوب ۱۸۴۵[91](اصلاحی) نامشروع تلقی شده‌اند و همین‌طور قرارداد تجارت با دشمن که به موجب قانون تجارت با دشمن مصوب ۱۹۳۹[92]ممنوع اعلام شده است.

قراردادهای گروه دوم نیز قراردادهایی هستند که به موجب قوانین موضوعه نامشروع و به تبع آن باطل اعلام نشده‌اند، بلکه در عرف و رویه قضایی این کشور به عنوان معاملات نامشروع به آن‌ها نگریسته می‌شود که در ذیل به چندی از آن‌ها اشاره می‌گردد (۱۰، ۲۰۰۳: ص۴۳۰).

87- Hire Purchasen act 1964
88- Copyright, Design, and Patented Copyright Act 1988
89- Companies Act 1985
90- Employment Act 1982
91- Gaming Act 1845
92- Trading with the Enemy Act 1939

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

الف: قراردادهایی که منجر به خطای قانونی[93]می‌شوند، با این شرط که صرف انعقاد آن خطای قانونی تلقی شود؛ مانند این‌که قانون انعقاد آن را ممنوع اعلام کرده باشد.

ب: قرارداد برای ارتکاب یک جرم[94]؛ به عنوان مثال، انعقاد قرارداد برای ارتکاب سرقت[95]؛ قتل عمد[96]؛ ضرب سکه تقلبی[97]و...

ج: توافق افراد ازدواج کرده برای ازدواج مجدد. چنین توافقی هرچند ممکن است منتج به جرم «دو همسری» گردد، اما صرف چنین توافقی اقدام علیه نظم عمومی تلقی گردیده و به موجب قواعد کامن‌لا نامشروع می‌باشد (۱۰، ۲۰۰۳: ص۴۳۹).

د: قرارداد محدودکننده آزادی نکاح[98]؛ آن‌جایی که این قرارداد به صورت کلی آزادی ازدواج را از شخص منع می‌کند، قرارداد مزبور نامشروع و متعاقب آن باطل می‌باشد، اما اگر این قرارداد به صورت جزئی و نسبت به یک شخص معین یا یک زمان معین منعقد گردد، صحیح بوده و خلاف نظم عمومی به شمار نمی‌آید (۱۰، ۲۰۰۳: ص۴۴۱).

ذ: قرارداد منجر به فساد جنسی[99]؛ مانند خرید خانه به قصد دایر کردن مرکز فساد.

گاهی اوقات ممکن است بخشی از یک قرارداد یا شرط ضمن عقد به صورت نامشروع باشد. در این حالت، دادگاه در صورت امکان تجزیه آن قرارداد، ممکن است قرارداد را تجزیه کرده و قسمت معتبر را اجرا کند و نسبت به قسمت نامشروع از کمک مضایقه نماید. بدیهی است که اگر قرارداد تجزیه‌پذیر نباشد، چاره‌ای جز اعلام بطلان کل قرارداد نخواهد بود (۲، ۱۹۵۹: ص۳۳۲). قرارداد نامشروع به شرحی که گذشت باطل است و دادگاه به طرفین چنین قراردادی کمک نخواهد کرد، چراکه دعوی مبتنی بر فساد قابل طرح نیست. لذا پول یا کالاهای تسلیم‌شده به موجب چنین قراردادی، اصولاً قابل استرداد نخواهد بود.[100]

نتیجه

با بررسی‌های انجام‌شده در منابع نظام حقوقی انگلیس و به طور خاصه حقوق قراردادها، رهیافت‌هایی در خصوص وضعیت حقوقی قراردادها برداشت گردید که به چندی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

93- Legal Wrong
94- Crime
95- Theft
96- Murder
97- Counterfeit coins
98- Freedom of Marriage
99- Sexual Immorality

۱۰۰- البته در مواردی که تقصیر طرفین یکی نیست و یا در فرض پشیمانی طرف، قبل از تحقق هدف نامشروع، این قاعده استثنائاتی را به خود پذیرفته است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

ـ تعریف از ضوابطی که برای عقد صحیح در حقوق انگلستان معین شده است، بر اساس شرایط اساسی پذیرفته‌شده در نظام حقوقی این کشور است. رعایت این شرایط برای صحت عقد لازم است و در صورت عدم رعایت شرایط، عقد برحسب مورد باطل، قابل ابطال و غیرقابل اجرا می‌باشد.

ـ عقد باطل در معنای خاص خود عقدی است که شرایط اساسی که برای یک قرارداد لازم و ضروری است در آن رعایت نشده باشد که این امر می‌تواند ناشی از اشتباه طرفین در موارد خاص آن و همین‌طور نامشروع بودن قرارداد باشد. از سوی دیگر، عدم اهلیت صغار برای انعقاد برخی قراردادها عاملی است که می‌تواند منجر به بطلان قرارداد شود.

ـ عقد قابل ابطال نیز عقدی دانسته شده است که تا لحظه ابطال صحیح بوده و طرفین آن ملزم به اجرای تعهداتشان هستند، ولی قانون بنا به شرایطی، به یکی از طرفین حق ابطال آن را می‌دهد. لذا پس از ابطال تا حد امکان، طرفین به وضعیت نخست خود بازگردانده می‌شوند و این تلاش طرفین را برای بازگشت عوضین به مالک ابتدایی‌اش می‌طلبد. این حق ابطال می‌تواند به موجب تدلیس، اکراه، اعمال نفوذ ناروا، صغر یکی از طرفین در برخی موارد، عدم افشای اطلاعات در قرارداد با حداکثر حسن‌نیت و نقض تعهدات قراردادی از سوی طرفین به وجود آید.

ـ عقد غیرقابل اجرا نیز به عقدی اطلاق می‌گردد که به دلیل عدم رعایت شرایط شکلی و اثباتی مقرر در قوانین موضوعه حقوق انگلیس غیرقابل اجرا می‌گردد که از جمله این شرایط، رسمی بودن قرارداد، کتبی بودن آن و همین‌طور مستند بودن قرارداد به سند کتبی می‌باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

فهرست منابع و مآخذ

1- Allen & Overy, (2007), Basicc Principles of English Contract Law, Advocate For International Development, Available At: www. a4id. org.
2- Anson, W. R. , (1959), Principels of The English Law of Contract And of Agency in Its Relation to Contract, London: Oxford University Press, Twenty-first edition.
3- Barker, D. & Padfield, C. , (2011), Law Made Simple, Tehran: Majd Publication, Forth Edition.
4- Chitty, J, (1997), Chitty On Contracts, Volume I «General Principles», London: Sweet & Maxwell, Twenty Forth edition.
5- Felgentrager, F. , (2004), English Contract Law, Available At: http//www. jurawelt. com/artikel/8716.
6- Furmstons, M. P. , (2012), Cheshire, Fifoot and Furmstons Law of Contrac, New York: Oxford University Press, Sixteenth edition.
7- Gahromi, E. , (2011), A Miscellany of Law Texts And Other Materials For Law Students, Tehran: Ganjedanesh Publication, Eighteenth Edition.
8- Odgers, F. G. , (1963), Contract. Voidable For Misrepresentation. Meaning of Rescission, The Cambrdge Law Journal, Vol. 21, No. 2.
9- Stone, Richard, (2000), The Modern Law of Contract, London: Cavendish Publishing, Fifth edition.
10- Treitel et al, (2003), The Law of Contract, London: Sweet & Maxwell, Eleventh Edition.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-20]